

## منشور هفتگانه برای همزیستی در جهان آینده

سید کاظم علوی پناه<sup>۱</sup>، علی اکبر موسوی موحدی<sup>۲</sup>

سرسخن

بنی آدم اعضای یک پیکرند  
که در آفرینش ز یک گوهرند  
چو عضوی به درد آورد روزگار  
دگر عضوها را نماند قرار  
تو کز محنت دیگران بی غمی  
نشاید که نامت نهند آدمی  
(سعدی)

بزرگ جهانی را در خود پرورانده است که شگفتی‌های ماندگار را برای بشریت به ارمغان آورده‌اند. پیشینه انسان خردمند امروزی چند ده هزار سال و پیشینه کره زمین چهار تا پنج میلیارد سال ارزیابی شده است. هرچند در دوره‌های گوناگون تکامل اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی جوامع و کیفیت این پیوند دچار فراز و فرودهایی شده ولی هیچ‌گاه از هم نگسسته است. از مطابقت شرایط طبیعی و روحیه انسان‌ها در گذشته با حال می‌توان چنین نتیجه گرفت که: طبیعت رو به درهم شکستن است و هم‌راستای آن میزان لذت بردن بشر از طبیعت و التذاذ درونی او نیز چون معنویت‌گرایی رو به کاستی است. این در حالی است که میزان لذت‌جویی از دستاوردهای مصنوعی و جاذبه‌های بیرونی افزایش یافته است. امروز زمان نوشتن نامه‌های سرگشاده برای حرف‌های نو و غیر تکراری است! زمانی که منشورنویسان هر آنچه در ذهن دارند به روی کاغذ و به میان مردم می‌آورند. منشور هفت‌گانه از نغمه‌ها و غزل‌های ادیبان و بزرگانی است که هم خود خوب زیستند و هم خوب

امروز ویروس کرونا-۱۹ علاوه بر بیماری‌هایی که انسان را درگیر نموده به‌عنوان یک درس در زندگی بشر نقش بسیار سازنده‌ای ایفا می‌نماید و می‌بایست با حکمت و خرد به این موجود بسیار ریز نامرئی نگریم؛ لذا شایسته است که از پندهای حکیمان قدیم برای درک و معرفت حقیقت بهره جست. در این میان، سعدی شیرازی سخنور بزرگ و ارزشمند ایران زمین شاعر دیروز، امروز و فردا بوده، حکیم و شاعری جهانی می‌باشد که رهنمودهای او راهگشای مشکل بشر امروز است. سعدی ابیات سه‌گانه فوق را قریب به هشتصد سال قبل از صدور «اعلامیه جهانی حقوق بشر» سروده است و امروز هم این ابیات به‌صورت نغمه و سرود و موسیقی‌های ملل با زبان‌های مختلف هم‌آوا شده است. البته شایان ذکر است سابقه تاریخی نشان می‌دهد که کهن‌ترین و اولین بیانیه و لایحه منشور جهانی حقوق بشر حدود ۶۰۰ سال قبل از میلاد توسط ایرانیان نوشته و ابلاغ شده است. ایران سرزمینی است که سرچشمه میلیون‌ها پیام انسانی، بیت شعر و کمال است. سرزمینی که حکیمان و شاعران و دانشمندان

\* عهده‌دار مکاتبات: استاد، تلفن: ۰۹۱۲۳۲۰۷۲۰۲، پست الکترونیکی: [salavipa@ut.ac.ir](mailto:salavipa@ut.ac.ir)

<sup>۱</sup> گروه سنجش از دور و سیستم اطلاعات جغرافیایی، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران

<sup>۲</sup> مرکز تحقیقات بیوشیمی و بیوفیزیک، دانشگاه تهران، تهران، ایران

### منشور دوم (تغییر)

چون تغییر هست در جان وقت جنگ و آشتی

آن نه یک روحست تنها بلکه گشتستند جدا

(مولانا)

امروزه حاکمان جهان به جای پرداختن به ریشه و اصل مشکل، پروای عوارض آن را دارند. بدین سبب بسیاری از مشکلات جهان به طور اساسی حل نمی‌شود و در صورت حل شدن مشکلات دیگری به همراه خود پدید می‌آورد. اصل چیست؟ اگر بدانیم اصل چیست دیگر به تعریف فرع نیاز نداریم زیرا اصل، اصل است و فرع، فرع! اما بسیاری اثرگذاران خود، اصل را نمی‌دانند، شاید هم منافعشان ایجاب می‌کند فرع را بدانند و اصل را فراموش کنند! هر چیزی در زمان و مکان تغییر می‌کند و تنها یک استثنا وجود دارد و آن هم کلمه تغییر است که ثابت باقی می‌ماند. آیا ما انسان‌ها در رابطه با تغییر به‌ویژه پس از شیوع ویروس کرونا چه وظایفی داریم؟ اگر پس از تغییر در محیط و طبیعت ما هم تغییر کنیم حیات جدید می‌یابیم.

### منشور سوم (شادی و امید)

کی شعر ترانگیزد خاطر که حزن باشد

یک نکته از این معنی گفتیم و همین باشد

(حافظ)

مرا عهدی است با شادی که شادی آن من باشد

مرا قولیست با جانان که جانان جان من باشد

(مولانا)

جهان امروز بیش از هر زمان دیگر به تلطیف و مهربانی نیاز دارد. هنگامی که غم و اندوه بر جامعه و افراد آن حاکم باشد نتیجه شادی‌بخشی حاصل نمی‌شود. رگبار اطلاعات در عصر حاضر، مخاطب امروزی را دچار دلزدگی و سردرگمی کرده است که او به لقمه حاضر و آماده عادت کرده و زمانی را به اندیشیدن اختصاص نمی‌دهد. از روزگاران گذشته مردم به ارزش شعر نه تنها به‌عنوان یک تسکین‌دهنده روح و تلطیف عواطف انسانی بلکه به‌عنوان یک روش برای درمان دردهای بشر و جوامع بشری پروا داشته‌اند.

زیستن را آموختند. گشت‌وگذار در ادبیات و آثار شاعران بنام ایران زمین همانند حافظ، سعدی، مولانا، فردوسی و دیگر بزرگان که صدها سال قدمت دارد، این فرصت را پدید می‌آورد تا با شناخت وسیع توأم با بینشی ژرف، آسیب‌ها و آفت‌های زندگی بشر در این جهان پر از مخاطره را شناسایی کرده و گامی به‌سوی انسانیت برداریم. لذا در این پیام کوتاه منشور هفتگانه را با رهنمود از حکیمان و شاعران پارسی اعلان می‌نماییم:

پا بر سر چرخ هفتمین نه

کاین عشق به حجره‌های بالاست

(مولانا)

### منشور اول (خودشناسی)

بدان تا هر آن کس که دارد خرد

به منشور آن دادگر بنگرد

(فردوسی)

این ویروس نامرئی کارهای بسیاری را در عالم انجام می‌دهد که فقط با چشم علوم تجربی دیده نمی‌شود بلکه نیاز به نگاه دیگری هم دارد. کون و هستی دارای ملکوت و معنویت بالایی است و چکیده عالم هم انسان است که صاحب کرامات هستی می‌باشد. سلامتی انسان از توازن و تعادل با طبیعت بیرونی و طبیعت درونی (فطرت) شکل می‌گیرد. آنچه انسان از طبیعت درونی و بیرونی خود دور شود از تعادل که اصل سلامت انسان است فاصله می‌گیرد. بنابراین خودشناسی زیربنای سلامتی و سعادت بشر است. البته خودشناسی یک نوع از خداشناسی است. انسان برای شناخت خود و خلقت نیاز به حکمت دارد. حکمت به‌معنای رسیدن به حقیقت به‌وسیله دانش و عقل است که سستی و یا کژی در آن راه ندارد. علم، کشف واقعیات است آنگونه که هست، دانشمند چیزی را خلق نمی‌کند بلکه آنچه خلق شده را می‌شناسد. اما حکمت کشف حقایق است و فهم هدف نهایی زندگی که انسان‌های خاص به آن دسترسی پیدا می‌نمایند.

هر چند طلسم این جهانی

در باطن خویشتن تو کانی

بگشای دو دیده نهانی

آخر تو به اصل اصل خویش آ

(مولانا)

### منشور چهارم (ضعف قدرت)

به پیش حرص تو خود پیل لقمه‌ای باشد

تویی چو مرغ ابابیل پیل کرده شکار

(مولانا)

پرسشی که در اینجا مطرح می‌شود اینست که اگر ویروس کرونا برود و طبیعت از نو بازسازی شود آیا دوباره روز از نو و روزی از نو تکرار نخواهد شد؟ اگر امروز طبیعت و شرایط پدید آمده، ما انسان‌های اجتماعی را در کنج خانه‌هایمان حبس کرده و از هر گونه فعالیت اجتماعی دور نگه داشته است، نیک است با انسانیت خود دوباره به اجتماع خویش برگردیم. آیا هیچ از خود پرسیده‌ایم چرا موضوع این ویروس به یکباره جهانی شد؟ شاید نقش فناوری اطلاعات که این‌گونه دنیا را با خبر ویروس کرونا ملتهب کرد نباید نادیده انگاشته شود و از طرفی پیشرفت حمل و نقل سبب شد ظرف مدت کوتاهی ویروس به دورترین نقاط جهان برده شود. موضوع دیگر آنست که بشر نشان داده فراموشکار و مغرور است! ای انسان! چه چیز تو را در برابر پرودگارت مغرور ساخته است؟ در آشفته بازار همه‌گیری بیماری می‌بینیم چیزی در حدود ۵ گرم ویروس کرونا در کل جهان این همه انسان، اقتصاد، شرایط اجتماعی و سیاسی را دگرگون ساخته و انسان را در کنجی زمین گیر کرده است.

### منشور پنجم (دانش و معنویت):

لذت علمی چو از دانا به جان تو رسید

زان سپس ناید به چشم لذت جسمی لذت

(ناصر خسرو)

خاتم ملک سلیمان است علم

جمله عالم صورت و جان است علم

(سنایی)

هر کدام از شاعران این مرز و بوم به نوعی طیب روحانی روزگار خویش بوده‌اند. هر کدام به نوعی به تشخیص درد جامعه و مداوای آن اقدام کرده‌اند. در واقع هنر شعر و موسیقی هدف واحدی دارند و هر دو وسیله‌ای برای بیان اندیشه‌های متعالی و آفرینش زیبایی‌اند. اگر هنرمندان، همانند یک رسانه جهانی، پیام‌آور آزادی و کشف مشترکات میان انسان‌ها باشیم و تلاش کنیم آدمی را در غربت جهان به سوی رهایی از خشونت هدایت

کنیم، او را به سمت تماشای زیبایی کشانده‌ایم و چه بسا بدین ترتیب خشونت از جامعه رخت بر بندد.

زمان ضایع مکن در علم صورت

مگر چندان که در معنی بری را

چو معنی یافتی صورت رها کن

که این تخمست و آنها سر به سر گاه

(سعدی)

### منشور ششم (صلح و راستی):

شود از همدلی و همکاری

ذوق هر یک به دیگران ساری

(جامی)

ای آنکه که می‌گویی صبر کن تا وقت آن سرآید، باید بگویم حالا که یک ذره نامرئی هم به دنبال حیات است نباید به صلح و زندگی فکر کنی؟ ای آنکه باز هم می‌گویی حالا که وقت خوشی سرآمده، کی این غصه به پایان آید؟ مولانا در جواب می‌گوید:

امتزاج روح‌ها در وقت صلح و جنگ‌ها

با کسی باید که روحش هست صافی صفا

پس به همه حاکمان و دولتمردان پیغام می‌دهیم:

باز در عالم بیار ایام صلح

جنگجویان را بده پیغام صلح

(اقبال لاهوری)

راستی کن راستان رستند

در جهان، راستان قوی دستند

(اوحدی مراغه‌ای)

### منشور هفتم (ندای درون):

وصال دل طلب کن در درون تو

که جان خواهد شدن این رهنمون تو

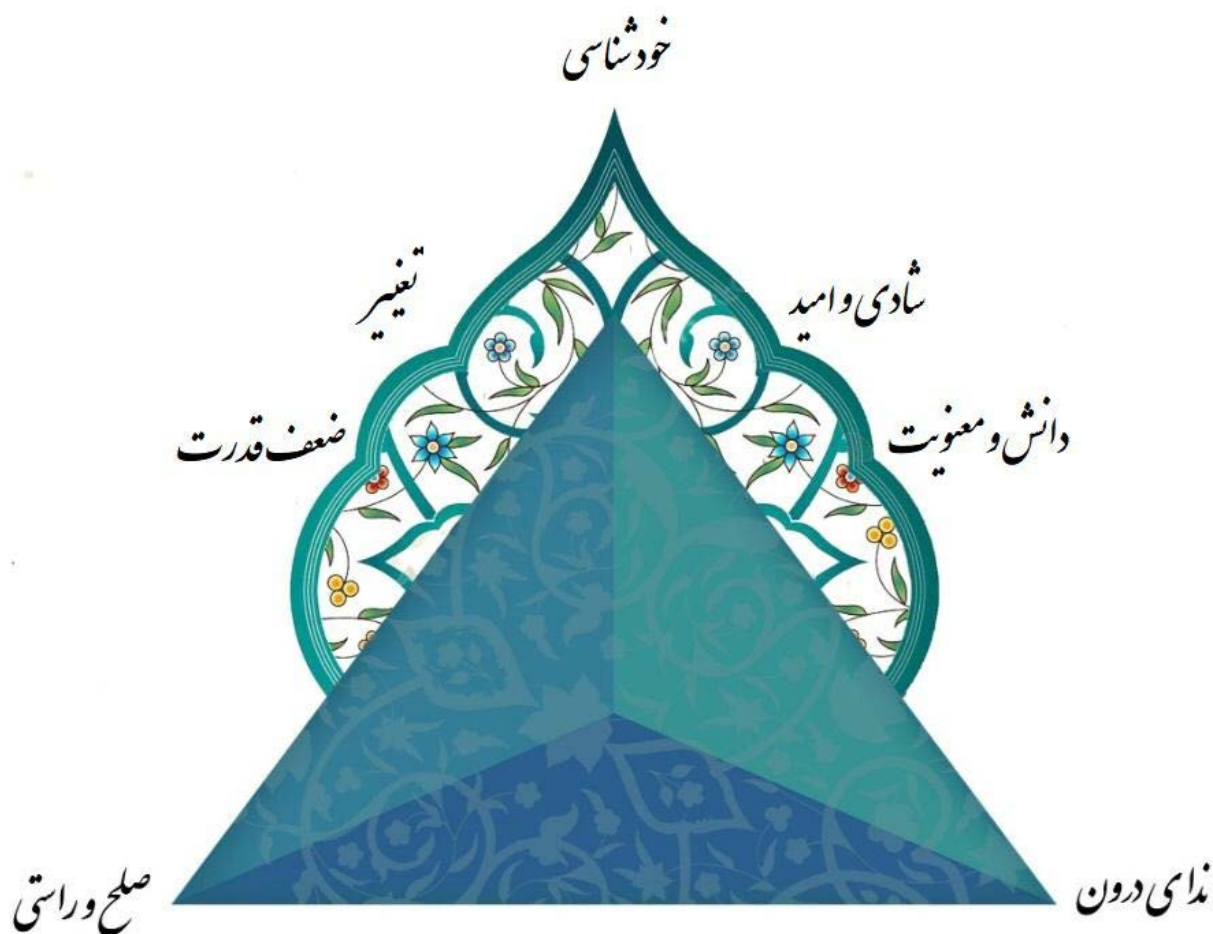
(عطار)

رویداد اخیر ویروس کرونا نشان داد که انسان‌ها برخلاف پیشرفت‌ها، ضربه‌پذیری زیادی دارند و نیاز است که به یک بازنگری در سبک زندگی و بینش خود نسبت به آینده داشته باشند. در مجموع نقش شعر در تلطیف فضای زندگی انسان‌ها

و امیدواری آنها به آینده بهتر را هشدار دادیم و چنین نتیجه می‌گیریم که آینده بهتر در گروی توجه خاص به اندیشه‌های درونی است. بیاییم درون خود را تقویت کنیم تا از دشمن برون در امان بمانیم. بیاییم تعادل را که مایه حیات و فرمان‌آفریننده است، در خود معنا کنیم. بیاییم از درون خود عزم صلح کنیم تا از جنگ برون با دیگران در امان بمانیم. آیا وقت آن نرسیده که نخست درون و آنگه برون را برای صلح درونی و بیرونی آماده سازیم؟

هر که شود صید عشق، کی شود او صید مرگ  
چون سپرش مه بود کی رسدش زخم تیر  
(مولانا)

بیا تا قدر یکدیگر بدانیم  
که تا ناگه ز یکدیگر نمانیم  
کریمان جان فدای دوست کردند  
سگی بگذار ما هم مردمانیم  
(مولانا)



## هفت تغیر دانش و معنویت برای خوشبختی